

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقري
فرستنده: محمود شاداد
۱۲ دسمبر ۲۰۱۷

[تا بکی گردهم از آن دلبر خود کام جدا]

چند باشم ز وصالش من ناکام جدا	تابه کی گردهم از آن دلبر خود کام جدا
گشته پهلوی من از بستر آرام جدا	من از آن روزی که عاشق به رخ یار شدم
خوب کردی که شدی از من بد نام جدا	تونکو نام و من گمشده رسوای جهان
می برد دل ز کفم دانه جدا ، دام جدا	اختیاری نبود الفت خال و سر زلف
شب جدا ، روز جدا ، صبح جدا ، شام جدا	تو چه دانی که چها می کشم از دوری تو
لیک باشد اثر روغن بادام جدا	بی خواصی نبود روغن هر چیز که هست
نشود از تن او جامه احرام جدا	حاجی آنست که از راه وفا تا دم مرگ
می رسد با دگران پخته جدا ، خام جدا	عشقري مُرد و شبی ریزه خوان تو ندید